

# نقد و بررسی کتاب

فریدون فرخ

*A Short History of the Ismailis:  
Traditions of a Muslim  
Community, 1998*

دکتر فرهاد دفتری  
«تاریخ مختصر اسمعیلیان:  
سنن یک فرقه اسلامی»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که کتاب «تاریخ مختصر اسمعیلیان» تألیف دکتر فرهاد دفتری که در سال ۱۹۹۸ از طرف دانشگاه ادینبورو اسکاتلند طبع و نشر یافته تخلصی ست از اثر دیگر ایشان، چاپ دانشگاه کمبریج به سال ۱۹۹۰ تحت عنوان *The Ismailis: Their History and Doctrines* «اسمعیلیان: تاریخ و اعتقادات آنان». ولی حقیقت این است که بین این دو اثر تفاوت‌های بسیار وجود دارد که خود مؤلف در دیباچه «تاریخ مختصر...» به شرح آن پرداخته است. به قول نویسنده، کتاب «اسمعیلیان...» بر اساس وقایع ثبت شده در تاریخ تنظیم یافته و برداشتی ست تاریخی از جریان تکوین و تکامل افکار و عقاید و مشارب فلسفی این فرقه و انشعابات عقیدتی و سیاسی آن از آغاز تا زمان حال. در حالی که «تاریخ مختصر...» کوششی ست در طبقه بندی این افکار و اعتقادات و تشخیص جوانب خاص آن به منظور قرار دادن این جنبش فکری و مذهبی در

یک متن تاریخی.

در میان اغلب خوانندگان معمولی و غیر متخصص در جوامع مسلمان به خصوص ایران، شناخت فرقه اسمعیلیه محدود است به داستانهایی که در فرهنگ عامه درباره حسن صباح و پیروان وی در قلعه الموت رواج دارد. مردم ایران، حسن صباح را بیشتر به عنوان مجاهدی در نبرد با ترکان غز و سلجوقی که در قرون چهارم و پنجم هجری بر منطقه ای که امروز به نام فلات ایران شناخته می شود سلطه داشتند می پندارند و عموماً نظرشان نسبت به او و اسمعیلیان نزاریه که پیروان او بودند مساعد است. می توان گفت که تا حدی حسن صباح و اسمعیلیان برای ایرانیان جنبه اسطوره ای پیدا کرده اند و نظرات ایمانی و عقیدتی آنان از نظر مذهبی کمتر در مد نظر عموم است. دو کتابی که دکتر دفتری درباره اسمعیلیان تألیف کرده است دقیقاً به همین نکته توجه دارد و هدف آن روشن کردن موقعیت تاریخی فرقه اسمعیلیه، ذهنیات دینی پیروان آن در رابطه با اصول مذهب شیعه، و اثرات آن در جریانات تکاملی تاریخ و فرهنگ این منطقه به طور اخص و به صورت کلی در خاور میانه است. قبل از این که به جزئیات «تاریخ مختصر...» پردازیم لازم است نظری کلی به کتاب «اسمعیلیان...» بیفکنیم.

کتاب «اسمعیلیان...» در هفت فصل بسیار گسترده و مستدل زمینه تاریخی مطالعات اسمعیلی را برای خوانندگان روشن می نماید. این کتاب، نخست تاریخچه تحول نظرات غربیان را درباره فرقه اسمعیلیه بررسی کرده، سپس به تشریح نخستین مراحل به وجود آمدن مذهب شیعه در صدر اسلام می پردازد و توضیح می دهد که چگونه اختلاف عقیده درباره جانشین امام جعفر صادق منجر به ظهور فرقه اسمعیلیه و تفوق نظامی و سیاسی فاطمیان و تشکیل حکومت آنان در مصر گردید. قسمت عمده کتاب «اسمعیلیان...» به بررسی تفرقه در صفوف پیروان این مذهب و پیدایش دو فرقه مستعلیه و نزاریه قلعه الموت اختصاص داده شده و بالاخره با فصلی درباره تحولات تاریخی بعد از سقوط قلعه الموت به دست مغولان و رشد و نمو نزاریه خاتمه می پذیرد. در این فصل دکتر دفتری به طور دقیق و مستدل نشان می دهد که اکثریت قریب به اتفاق تحقیقات و مطالعات درباره اسمعیلیه مربوط است به قبل از سقوط الموت، یعنی قرون ششم و هفتم هجری، و آنچه درباره ظهور نزاریه و رونق فلسفه و اعتقادات آنان در میان محققین رواج دارد منحصر است به آثار و انتشارات مرحوم ولادیمیر ایوانف. در این زمینه تردیدی نیست که کار دکتر دفتری در کتاب «اسمعیلیان...» به نحوی بسیار شایسته مکمل آثار موجود درباره تاریخ و فلسفه اسمعیلیه می باشد و از نظر تحقیقی و توجه به جزئیات اثری ست بسیار مفید و واقع بینانه که می تواند متقابلاً برای

خوانندگان متخصص و غیر متخصص مفید و روشنگر باشد، خصوصیاتى که به نحوى بارز در کتاب «تاریخ مختصر فرقه اسمعیلیه» نیز به چشم می خورد.

چنان که قبلاً ذکر شد «تاریخ مختصر...» کوششى ست به منظور تشریح تحولات فکری و دینی اسمعیلیان با توجه به یک زمینه تاریخی. در این قسمت، مؤلف تاریخ این فرقه را به چهار دوره مشخص تقسیم می نماید. که از آنها می توان با عنوانهای ادوار «آغازیه»، «فاطمیه»، «الموت» و «نزاریه» نام برد.

بخش اول این تاریخ مربوط می شود به جدا شدن فرقه اسمعیلیه از شیعیان و تکوین اصول فکری و عقیدتی آنان. در ابتدای این فصل مؤلف به طور خلاصه توضیحاتی در این زمینه داده و به بحث درباره منابع و مآخذ مختلفی که در دسترس محققین قرار دارد پرداخته است. ارزش خاص این فصل در این است که مؤلف با دقت تمام این مآخذ را تجزیه و تحلیل می کند و موارد قوت و ضعف هر کدام را به صورت کامل و منسجم ذکر می نماید. در این فصل ما در می یابیم که به علت خصومت علمای سنی و شیعه اثنی عشری، تحریفاتی در جهات فکری و عقیدتی اسمعیلیان رواج داده شده که کتاب «تاریخ مختصر...» به شرح آن پرداخته و فهرست جامعی از آثاری که در این زمینه موجود است در دسترس خواننده قرار می دهد. به علاوه در این فصل شرح مبسوطی درباره نظرات اروپائیان و تحقیقات شرق شناسی در مورد پدیده اسمعیلیه داده شده که نشان دهنده پاره ای استنباطات نادرست اروپایان و پیشداوریهای درباره اصول مذهب اسمعیلی ست که از زمان جنگهای صلیبی در میان آنان رواج داشته است. در این فصل توضیحات جامعی درباره مشی نوین در تحلیل تاریخ اسمعیلیه و کشف مدارک و مآخذی که تا اوائل قرن بیستم به علل سیاسی و مذهبی در خفا نگاهداری می شده است داده می شود. از جمله اطلاعات مفیدی درباره تأسیس جامعه تحقیقات اسمعیلی در سال ۱۹۳۳ و تشکیل جامعه اسمعیلیه در بمبئی در اختیار خوانندگان قرار داده شده است.

فصل دوم کتاب از بسیاری جهات برای عموم خوانندگان مفیدترین بخش آن است. این فصل با بحثی درباره تحولات عقیدتی فرقه اسمعیلیه و انشعابات آن تا به قدرت رسیدن فاطمیان و تشکیل حکومت آنان به دست می دهد. به قول مؤلف، مسلمانان در صدر اسلام از تنوع و گوناگونی بسیاری از زمینه های عقیدتی از قبیل صفات ذات الهی، منشأ اصول فقه اسلام، شناخت طبیعت معصومیت و گناه و سایر مسائلی از این قبیل برخوردار بودند. در یک چنین محیطی بود که در نیمه قرن دوم هجری عده نسیبه کثیری از شیعیان به پیروی از امام محمد باقر و فرزندش امام جعفر صادق به پایه گذاری نوعی تفکر و فلسفه مذهبی

پرداختند که بعداً به رهبری اسمعیل، پسر امام جعفر صادق به عنوان اسمعیلیه شناخته شد و شهرت یافت. در این فصل است که انشعابات‌ی که در میان پیروان اولیه اسمعیلیه صورت گرفته بازشناسی شده، اصول اعتقاداتی هر کدام با تفسیر لازم به اطلاع خوانندگان می‌رسد. در خاتمه این فصل مؤلف تعریف دقیقی از معنای مسلکی و عقیدتی دین اسمعیلی که زیربنای ایدئولوژیکی و قانون اساسی حکومت فاطمیان گردید به دست می‌دهد. به طور اخص می‌توان گفت که تمایز بین «ظاهر» و «باطن» در تفسیر قرآن و اهمیت این تمایز در پایه گذاری اصول مذهب اسمعیلی بسیار مفید و دیده گشاست.

فصل سوم این کتاب اختصاص داده شده است به حکومت فاطمیان و اهمیت سیاسی و نفوذ آنان نه تنها در سیر تاریخ و تحولات فرهنگی و مدنی خاورمیانه و شمال آفریقا بلکه در سایر ملل و اقوام ساکن کناره دریای مدیترانه از اوائل قرن سوم هجری تا زمان مرگ خلیفه المستنصر بالله در اواخر قرن پنجم؛ در تحت لوای این حکومت، اسمعیلیان از آزادی تام در انجام فرائض مذهبی و تبلیغ و نشر مسلک خود در تمام سرزمینهایی که توسط آنان اداره می‌شد برخوردار شدند و به این ترتیب اسمعیلیان شبکه وسیعی از فعالیتهای تجاری و فرهنگی به وجود آوردند که از شمال آفریقا تا حدود شرقی هند گسترده بود.

این فصل منحصر به بررسی امور سیاسی فاطمیان و گسترش نفوذ فرهنگی اسمعیلیان نیست. قسمت عمده این بخش بررسی جامعی است از تحولات اساسی در اعتقادات پایه ای اسمعیلیه. که از آن جمله است نفوذ فلسفه افلاطونی و سیستم عقلاتی یونانی و رواج افکار اسمعیلیان ایرانی از قبیل ابوحاتم رازی و یعقوب سجستانی که به گفته مؤلف تا حدی متأثر از تصوف و دهری گرای (Gnosticism) است. در این زمینه شواهد متعددی که نماینده این تأثیرات می‌باشد به خواننده معرفی شده است. گذشته از این، در این مبحث اطلاعات وسیعی درباره «دعوت» یا سیستم گسترش عقیده و نشر افکار اسمعیلی مطرح گردیده است.

بعد از مرگ المستنصر بالله حکومت فاطمیان دچار بحرانهای سیاسی گردید که به تدریج از نفوذ و قدرت آنان کاست و بالاخره منجر به سقوط آنان در قرن ششم هجری شد. در فصل سوم از «تاریخ مختصر...» این جریان به طور خلاصه تشریح شده و بخش‌هایی فصل بیشتر اشاره دارد به ظهور پاره ای اختلافات اصولی بین اسمعیلیان و انشعاب آنان به دو فرقه نزاریه و مستعلیه که هر کدام به نام یکی از دو فرزند المستنصر بالله نامیده شده اند.

عنوان فصل چهارم کتاب، «دوره الموت در تاریخ اسمعیلیه نزاریه» است که خود

گویای تکیه اصلی بر این مبحث است. همزمان با درگذشت المستنصر بالله، در فلات ایران حسن صباح یک پایگاه نظامی و سیاسی در الموت واقع در ارتفاعات نزدیک قزوین امروزی به وجود آورد و از آن جا مبارزات خود را با ترکان سلجوقی آغاز نمود. حسن صباح پیرو سرسخت مسلک نزاریه اسمعیلی بود و با تسخیر قلعه الموت مقام رهبری خود را در میان ایرانیان اسمعیلی تحکیم نمود. در این فصل دکتر دفتری اشاره دارد به ظهور پدیده «تعلیم» یا سرسپردگی کامل به «امام» و اعتقاد راسخ به تعلیمات او. در میان مفسران، این پدیده به عنوان «دعوة الجدیة» معروف است که تا حدودی با رسوم اسمعیلیان زمان فاطمیان، که به آن نام «دعوة القدیمة» داده شده فرق دارد. دکتر دفتری توضیح می دهد که براساس نوشته های موجود، حسن صباح مبدع این رسم بود که شباهت بیشتری با ایدئولوژی امامت در مذهب شیعه دارد. در یک سلسله مرکب از چهار رساله، حسن صباح حقانیت این رسم را براساس اصول اسلامی توجیه می کند (رجوع شود به صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۵).

بقیه این فصل مروری ست بر تاریخچه نزاریه و کشمکش مدام نظامی و سیاسی آنان با سلجوقیان. ضمناً در این فصل خوانندگان با پایگاههای نفوذ و قدرت نزاریه در مناطقی خارج از فلات ایران، من جمله سوریه و ترکیه امروزی آشنایی پیدا می کنند و به فهرست جامعی از سرکردگان علمی و دینی این فرقه در این نقاط دست می یابند. یکی از این بزرگان جلال الدین حسن است، که از عاقبت دور افتادگی اسمعیلیان از فرق عمده اسلام بیمناک بود، و به ابتکار شخصی با علمای سنی تماسهایی حاصل نمود و به نمونه حسن نیت به نسخ اصل «قیامه» و پیروی از شریعت به زعم اعتقاد اهل سنت فتوی داد.

با حمله مغول به فلات ایران در قرن هفتم نفوذ اسمعیلیه در این منطقه کاهش بسیار یافته بود. این امر، به اضافه ظهور اختلافات عقیدتی و انشعابات فکری منجر به تفرقه آنان و محدود شدنشان به دستجات کوچک در جوامع پراکنده در مناطق مرکزی و شرقی فلات ایران و آسیای میانه شد (ص ۱۵۰-۱۵۳).

در واقع سرانجام این تحولات تاریخی ست که در فصل پنجم کتاب مورد بحث قرار گرفته است. در این فصل مؤلف نگاه جامعتری به ویژگیهای دو فرقه مستعلیه و نزاریه افکنده و سیر تاریخی و دگرگونیهای عقیدتی و فلسفی آنان را بعد از سقوط الموت و غلبه مغول مورد بحث قرار می دهد. از قراری که مؤلف در این فصل شرح داده است، جزئیات تاریخی و اطلاعات دقیق در این زمینه ها در دست نیست بیشتر به این علت که پس از سقوط الموت و پراکنده شدن اسمعیلیان در جوامعی که دارای اکثریت سنی بودند، اسمعیلیان به منظور حفظ ذات، به تقیه و اختفاء آثار و عوامل مسلکی خود متوسل شدند و این خود

باعث قلت مدارک و شواهد لازم جهت تجزیه و تحلیل تحولات فکری و مذهبی پیروان اسمعیلیه گردیده است. با وجود این، دکتر دفتری با مطالعه دقیق و توجه به شواهد ضمنی از قبیل آثار ادبی و نوشته های غیر مذهبی به استنتاجاتی مفید و منطقی دست می یابد. از جمله بحثی است در این فصل در مورد نزاریه و رابطه تاریخی و عقلانی آنان با تصوف. یک نمونه بارز در این باره این است که در اواسط قرن نهم این رابطه به خصوص در جوامع فارسی زبان و ایرانی به حدی رسیده بود که آثار نویسندگان نزاری، با وجود محدود بودن تعداد، منعکس کننده نفوذ لفظی و معنوی صوفیگرای است. به عنوان مثال در این فصل اشاره ای است به گلشن راز اثر محمود شبستری که در آن پاره ای از نکات عقیدتی اسمعیلی به خوبی مشهود است. به علاوه تفسیر گسترده ای از این منظومه توسط یک اسمعیلی نزاری - که از ذکر نام خود خودداری کرده - نوشته شده است.

گذشته از بررسی جنبه های مختلف این ارتباط بین تصوف و اسمعیلیه، در این فصل نشان داده شده است که بعد از سقوط الموت یک دسته از اسمعیلیه نزاری معروف به قاسم شاهیان در حوالی محلات و قم امروزی ساکن شدند و حوزه نفوذی برای خود به مدت دو قرن به وجود آوردند. آثار باقی مانده از این گروه منعکس کننده نفوذ تفکر صوفیانه، به خصوص در مورد مفاهیم «حجت» و «طریقت» می باشد. در نیمه دوم فصل پنجم، مؤلف سیر تحولی اسمعیلیه و مهاجرت تدریجی آنان را به شبه قاره هند و تشکیل جوامع اسمعیلیه در آن ناحیه به صورت مستدل تشریح نموده و به معرفی سازمانهای مدرن و تشکیلات نوین خدمات فرهنگی و اجتماعی که توسط اسمعیلیان چه در هند و چه در سایر نقاط جهان به وجود آمده می پردازد. در خاتمه مؤلف به تاریخ پر تلاطم اسمعیلیان نزاری بعد از دوره الموت اشاره نموده که با وجود تمام این مشکلات و تعديات که از طرف سایر فرقه ها و دستجات سیاسی و مذهبی برایشان فراهم شده، جای تحسین و تعجب است که امروزه اسمعیلیان هنوز به عنوان یک فرقه مذهبی اظهار وجود نموده و به پیروی از شعائر دینی و مسلکی خود ادامه می دهند.

به طور خلاصه باید اذعان داشت که «تاریخ مختصر...» در به وجود آوردن یک موازنه بین تاریخچه پر پیچ و خم اسمعیلیان از یک جهت و تفسیر عقاید و خصوصیات مسلکی آنان از جهت دیگر بسیار موفق بوده است. این موفقیت طبیعتاً مدیون آشنایی وسیع مؤلف کتاب با مآخذ و منابع موجود و تسلط کامل ایشان بر روشهای تحقیق و مذاقه در پدیده های تمدن بشری است.